

پلاسکو به توان ۳۰۰۰!

می‌گویند کوتاه بنویس. می‌نویسم «قلب تهران سوخت». پنجشنبه ۳۰ دی‌ماه ۱۳۹۵ تا ابد باید در ذهن این شهر و مردمانش درج شود. روزی که ساعت هفت صبح ناقوس مرگ بر فراز شهر به صدا درآمد تا باز شاهد فاجعه باشیم؛ فاجعه‌ای که باید مدت‌ها بگذرد تا بتوان از ابعاد خسارت‌های جانی، مالی و روحی‌اش نوشت. باید زمان بگذرد تا مقصر را یافت و از او یا آنها پرسید واژه «مسوولیت» دقیقاً کجا پنهان شده بود وقتی یکی از قدیمی‌ترین ساختمان‌های این شهر خاکستر شد و مردانی از جنس «آتش‌نشان» جان‌شان سپر بلای حادثه شد.

به گزارش ایسکانیوز به نقل از روزنامه جهان صنعت هنوز خاطره آتش‌سوزی ساختمان جمهوری در (۲۹ دی‌ماه ۱۳۹۲) از اذهان شهر پاک نشده بود که بار دیگر در دی‌ماه شعله‌های آتش زبانه کشید و این بار اولین ساختمان بلندمرتبه و مدرن خاورمیانه در آتش سوخت. باید زمان بگذرد تا از غم آتش‌نشانی که جان‌شان سپر بلا شد نوشت. از آنان که در عرض چند ساعت تمام اموال‌شان را از دست دادند و غمی که تا ابد سایه‌اش بر زندگی خانواده‌های عزیز از دست داده می‌ماند. اما سوال این است، بعد از مدیریت بحران‌ها، حضور مسوولان کشوری و لشکری، گرفتن عکس‌ها و یادگاری‌ها و سر دادن شعارهای بی‌شمار برای این شهر چه برنامه‌ای داریم؟ آیا قرار است پلاسکو ضرب در سه هزار ساختمان فرسوده دیگر بشود؟

واقعیت این است همین مسوولان حاضر در لحظات بحران اعلام کرده‌اند سه هزار ساختمان در تهران از لحاظ ایمنی، وضعیتی مشابه وضعیت ساختمان پلاسکو دارند. وضعیت مشابه یعنی از ۱۷ هزار ساختمان به سه هزار ساختمان اخطار داده شده است، این گفته‌های معصومه آباد، رییس کمیته مدیریت بحران شورای شهر تهران است. او می‌گوید: این اخطارها به ساختمان‌هایی داده شده است که شرایط مشابه وضعیت پلاسکو را دارند مثلاً پله فرار ندارند، یا اعلام حریق نداشته و شرایط اطفای حریق خودکار ندارند.

اخطار برای اطفای حریق کافی نبود

این گفته‌ها فقط گوشزد است، تذکر است، اخطار است. از جنس همان اخطاری که شهرداری اعلام می‌کند بارها به اهالی ساختمان پلاسکو فرستاده است. در این روزهای بحران، فیلمی دست به دست در فضای مجازی با این مضمون می‌چرخد شهردار در جلسه با اعضای شورای شهر در سال ۹۳ می‌گوید: ما بارها به ساختمان‌های قدیمی اخطار داده‌ایم. مثلاً ساختمان پلاسکو را که واردش می‌شوید وحشت می‌کنید، بیندم یا نبندم ساختمان را؟! این جملات محمداقبر قالیباف است و اعضای شورای شهر که محکم نمی‌گویند ساختمان را ببندد چراکه قرار است دو سال بعد شاهد فاجعه در شهر باشیم. فاجعه‌ای که حالا گریبانگیر سه هزار ساختمان در قلب پایتخت است. باید منتظر ماند و دید برای این ساختمان‌ها چه تمهیداتی خواهند دید و آیا باز باید مال مردم و جان آتش‌نشانان را قربانی‌شان کرد.

فاجعه‌ای که حتی برایش از لحاظ امدادی آماده نیستیم. در تیرماه امسال بود که رحمت‌الله حافظی، رییس کمیسیون سلامت شورای شهر

تهران ضمن انتقاد از عدم تامین اعتبار برای تجهیز خدمات آتش‌نشانی، از همکارانش در شورای شهر خواست هر چه سریع‌تر لایحه به روز رسانی تجهیزات آتش‌نشانی را مصوب کنند. در همان مقطع زمانی اعلام شد که از ۱۴۱ دستگاه خودرو آتش‌نشانی تهران، ۵۶ دستگاه فرسوده و از رده خارج هستند. در سال ۹۴ مقرر شد که از محل دو درصد عوارض شهرداری، ۱۴۰ میلیارد تومان برای ارتقا تجهیزات آتش‌نشانی تخصیص یابد در تیرماه سال جاری یکی از اعضای شورای شهر اعلام کرد که براساس آخرین گزارشات تنها ۲۵ میلیارد تومان از این منابع به آتش‌نشانی پرداخت شده است! لایحه به روز رسانی تجهیزات آتش‌نشانی ابتدا دارای بودجه هزار میلیارد تومانی بود اما این مقدار طی برنامه پنج ساله شهرداری تهران به ۶۰۰ میلیارد تومان تقلیل یافت و حالا آن قدر تخصیص بودجه طول کشید که فاجعه اتفاق افتاد. اگر در محل حادثه حضور داشتید عدم وجود تجهیزات مناسب برای اطفای حریق کاملاً محسوس بود. در میان تمام این مسایل نبود مدیریت بحران عمق فاجعه را رقم زد اما فاجعه بدتر زمانی رخ می‌دهد که ساختمان‌های دیگر شهر رها شوند.

شاید کمتر کسی می‌داند که سومین ساختمان بلند تهران از دهه ۱۳۴۰ تاکنون برج کنونی بورس و اوراق بهادار تهران است. این برج اداری با ارتفاع ۶۸ متری دارای ۱۹ طبقه بود که پس از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۸ به بانک تجارت تعلق گرفت اما بانک مرکزی سه سال بعد برخی از طبقات پایینی آن را برای از سرگیری فعالیت بورس تهران تخصیص داد. قدمت این سازه اسکلتی هم‌اکنون در حالی به ۵۳ سال رسیده که در تالار معاملات سهام این شرکت واقع در طبقات همکف و اول، روزانه بیش از صدها نفر انسان تردد می‌کنند. ساختمانی که ۲۷۸ نفر پرسنل اداری تمام وقت را در خود جای داده و این در حالی است که با توجه به استقرار بورس انرژی در طبقه آخر آن بدیهی است که این تعداد از ۳۰۰ نفر نیز تجاوز خواهد کرد. ساختمان دیگر ساختمان آلومینیوم است. یعنی با یک حساب سرانگشتی تعداد ساختمان‌هایی که در شهر دچار حادثه خواهند شد را می‌توان پیش‌بینی کرد اما باید دید آنها هم در روند اخطار قرار می‌گیرند یا تصمیمی جدی در انتظارشان است.

تلخ‌ترین بوسه بر لباس هم‌قطار

ساختمان پلاسکو یادگار روزهای کودکی ما و نماد قدیمی‌ترین ساختمان تجاری شهر یک پنجشنبه روزی در آتش سوخت. خسارت میلیاردی به صنفی رسید که نزدیک عید با شوق قرار بود شادی را به تن مردم ببوشانند. مردانی از جنس شجاعت، جان‌شان را سپر بلای آتش کردند و از میان ما رفتند. اگر در محل حاضر بودید، حتما مشاهده کردید که تلاش این مردان عجیب بود. صامت و آرام با نگاهی عجیب بدون لحظه‌ای وقفه دنبال پیکر همکاران‌شان می‌گشتند. نه حرف می‌زدند و نه لحظه‌ای می‌نشستند. تا زمانی که لباس و کپسول هوای یکی از آنها پیدا شد و هم‌قطارش بر آن بوسه زد. تلخ‌ترین بوسه ...

اما هنوز این پرسش باقی است تا چه زمانی قرار است تاوان نپذیرفتن مسوولیت مسوولان را افرادی با جان و مال‌شان بپردازند؟

دریافت کننده: سولماز ظریفی / انتشار دهنده: زهره حاجیان